

IRISEKAI



Translate Luna

Clean Sqr

Type Luna



T.me/IriSekai



instagram.com/IriSekai

... واقعا مجبورین تا همچین
جایی پیش برین؟

بانو دیاثه.

«موی قرمز» ...
... نمادی از خیانت و زشتی مبتذل.

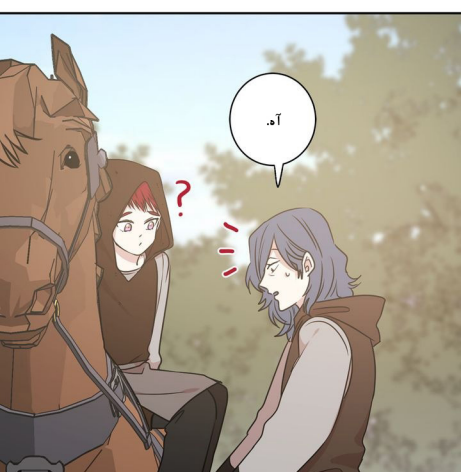
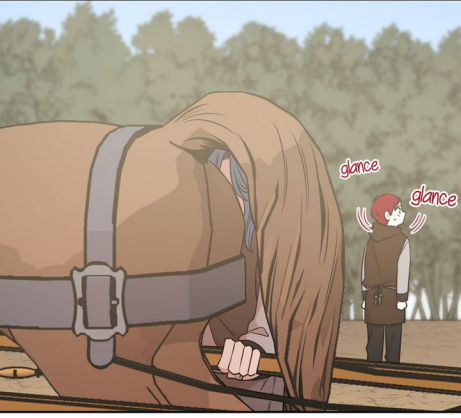
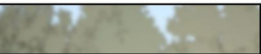
بنابراین هیچ راهی وجود نداره که زنی مو
قرمز در خانواده‌ای نجیب‌زاده متولد بشه.

... این چیزیه که
مردم فکر می‌کنن.

چقدر مسخره.

Ep 39



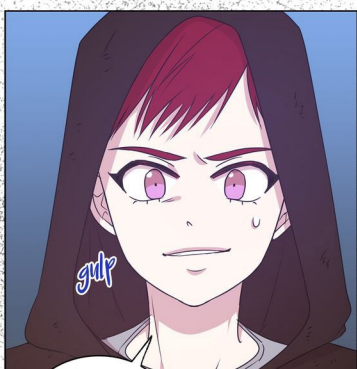


معذرت می خوام، بانو دیاثه!



لطفا عذرخواهی منو بپذیرین، اما اگه
یه وری سوار اسب بشین، اسب نمی تونه
به اندازه کافی سریع حرکت کنه.

با توجه به اینکه
وقت طلاست...



خب پس...



یا پشم!

یه کوچولو بیشتر بدن
اسب رو فشار بدین!

Ino
Sekai
Tame/
InoSekai

عردرد~!

ای خدا ای فلک، اصلاً باورم نمی‌شه
این همه پاهامو از هم باز کردم...!



مچقدر خوبه که لرد
ادوارد اینجا نیست.

زمین شکاری که اون
دربارش گفت از اینجا
خیلی دوره.

می‌دونم ممکنه بترسید، اما
در سریع‌ترین زمان ممکن
می‌برمتون اونجا!

هوشش!



واح!

فنه...!

GALLOP

GALLOP

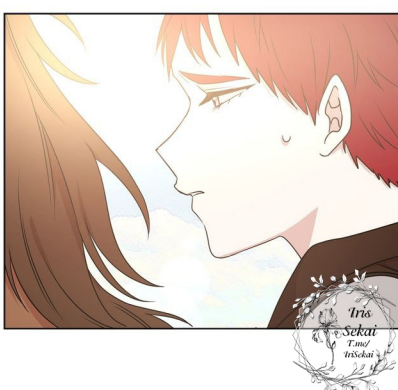


داد نزنین!

واح، واح، واح!! باید
تحملش کنم!!



تکنه اون منحرف نجات لرد ادوارد رو
برای بازی کردن با من پنهان کرده!! یا
یه چیزی تو این مایه ها!!



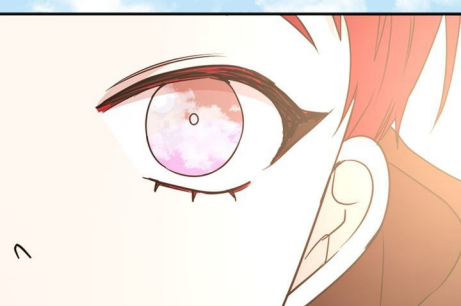
BRIGHT





پس این... همون منظره‌ست.

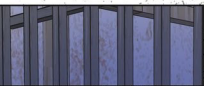
بیخشید؟



نه.



هیچی...



چه اتفاقی افتاده؟



سرورم!



ای وای، پس اون شرقی گم و گور
شده؟ پس من الان باید عصبانیتمو
روی کی خالی کنم؟!



چطور جرئت کرده اینطوری به
سرور نجیب و با شرف ما توهین
کنه؟؟



grind

... باید خیلی وقت پیش

پرتش می کردیم بیرون.

همچ وقت نباید اون

الجنی رو راه می دادیم!

!

همش تقصیر اون

کافر باشم سفیده!

قربون دهننت د!!

کافیه!

همتون از استعداد

تکنسین یه سودی بردین!

چطور می تونین الان این

حرفا رو دربارش بزنین؟

ولی سرورم...!

اون فقط قربانی هوس یه

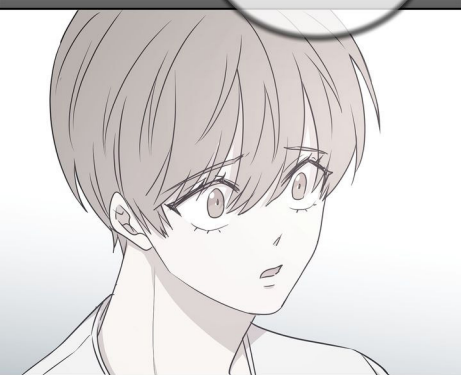
مرد قدرتمند شده!



به آدمای ضعیف تر از
خودتون تهمت نزنین.



تکنسین... به سلامت از
اینجا خارج شده...!

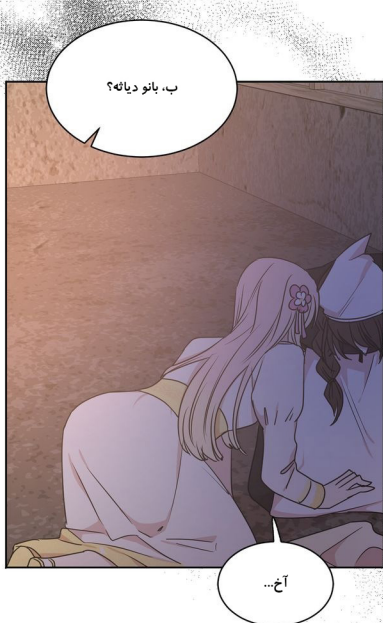


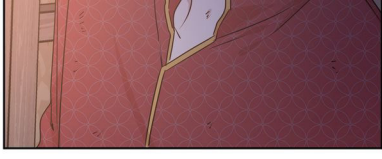
خیالت آوره که آخرین
دیدارمون اون طوری شد...





FWIP





iris
Sekai
T.me/
IriSekai





بطور جرئت می‌کنی
صد آتو برای یه بانو از
خاندهان هرنا بلند کنی!

نون: گاردز اینو ببینن من بیهوش



کین؟!!!



چناب کین... فکر می‌کنم یه
جو رایجی چیکر بود...



ب بانو اینجا
چیکار می‌کنن؟

ینی نمی‌تونه بیاد
نامزدشو ببینه؟!؟

ولی اعلیٰ حضرت گفتن
هیچ کس حق نداره وارد شه...

صبر کن، اصلا اون هیچی،
چرا تو اینجایی...؟

glare

تو... درباره افتخار و ثروت مارکوئیز
چیزی شنیدی؟ آگه یکم لطیف تر
باشی، با جیب خالی از اینجا نمی‌ری.



ژوون!

لونا روی هم خاطر چه خوردن زیاد
در حال گله زدن شوفاژ بود بای

فقط تا وقتی که نفر بعدی
برای کشیک میاد، باشه؟
برات یه علامت می‌فرستم!



دمت گرم جیگر~



...

...

داری چه غلطی
می‌کنی کلنگ؟؟؟!

کیسین!!!





Story : KIM SUO

Art : jaradog

©DAONCOMICS



از شما برای خوندن کارمون
ممنونيم. لطفا **کپی نکنين** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارين.
شما ميتونين با جوين شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنيد و کارهايه
جذاب ديگمون رو هم بخونين.

@IriSekai

